

۲۲. ظهور اسلام

با در نظر گرفتن مطالبی که در برنامه گذشته ذکر کردیم نظر دیگری بوضع ممالک معاصر هنگام پیدایش اسلام بیفکنیم. در عرض صد سال بعد از رحلت حضرت محمد (۶۳۲ میلادی یا سال دهم هجری) پیروان اسلام نه فقط اعراب شبه جزیره عربستان را متحد کرده بودند بلکه پرچم اسلام را در آسیای مرکزی هم برافراشته بودند. ایرانیان زرتشتی را مغلوب و به امپراطوری بیزنطین خسارت بسیاری وارد آوردند. پیشرفت اسلام در افریقای شمالی و بازگشت مردم بربر و یورش مسلمانان به اندولژی (اسپانیا) سریعاً پشت سرهم انجام گرفت.

که در سال ۷۳۲ میلادی (۱۱۰ هجری) بوقوع پیوست مرکز حکومت قوای اسلامی از دمشق به بغداد انتقال یافت. آنجا دوره باسطلاح طلائئ اسلام آغاز شد - دوران روشنفکری و ترقی - دوران آزادی فکر و توسعه در هر رشته علوم از قبیل ادبیات و ریاضیات و فلسفه که با حمایت خلفاء مترقی که علاقه بیشتری به تحصیلات داشتند تا به لشکرکشی، پیشرفتهای وافر نمود. اما ریاضت و زهد خلفای نخست به عیاشی و تجمل پرستی و خوشگذرانی بنی عباس تبدیل شد و سعادت نوده مردم هدف عام و خاص گردید. گاردهای محافظ قصر از ماوراً النهر تا آسیای مرکزی و ترکمنستان استخدام شدند. آنان بدین اسلام گرویدند و در نهایت قدرت عصای حکومت را بدست خود گرفتند و در اواخر قرن سیزدهم میلادی این

که تاج کیان را کند آرزو تفو بر چرخ گردون تفو

نویسندهٔ روشنفکری موضوع را چنین بیان می‌دارد: «هیچ واقعه‌ای در تمام کائینات بدون اطلاع و عزم خداوند رخ نمیدهد. کوچکترین واقعهٔ انسانی برای خالق مجهول نیست. هنگامی که شیطان دائماً برای شرارت تلاش می‌کند خداوند خالق بر همه حکمفرماست تا ضروری به بندگان مطیع و ایماندارش نرسد. همان قدرتی که امواج متلاطم دریا را کنترل میکند قوای انقلابی و جانی را نیز باز میدارد. خداوند به یکی همچو به دیگری می‌فرماید "تا باینجا بیا و تجاوز منما."»

وقتی که امروز ممالک را با دید کلی ملاحظه می‌کنیم برایمان تسکین روحی و آرامش فکری حاصل می‌شود. تکرار عبارت ذیل بسیار بجاست: «تمام قوای جهانی تحت کنترل خدای لایزال می‌باشد. به عظیم‌ترین حکمفرما و به ظالمت‌ترین ستمگر می‌گوید "تا باینجا بیا و تجاوز منما." قدرت خداوند دائماً در کار است تا عوامل شرارت را بی‌اثر نماید. وی همواره بین مردم نه برای هلاکت بلکه برای اصلاح و حفاظت آنان کار می‌کند.»

مختصراً بر آنچه گذشت مروری می‌کنیم. ارتداد تدریجی را که شیطان بکلیسای مسیحی وارد آورد بررسی کردیم. برای جلوگیری از این نفوذ شیطانی خداوند نهضت دیگری را که زبانهای مختلف و ملل مختلف و زیر پرچم اسلام بود برپا کرد تا حصارى بدور مرکز ارتداد کشیده شود اسلام با فتح کشوری پس از کشور دیگر تمام اروپا را بمحاصره خود در آورد. بنقشهٔ اروپا که نگاه می‌کنیم معلوم می‌شود که هلال محافظی دور اروپا کشیده شد.

نزاع و اختلاف اسلام هرگز با شخص مسیح نبوده بلکه با مسیحیان متصرف و مرتد امپراطوری روم بود و کوشش اسلام برای بازگردانیدن مکاشفهٔ وحدانیت و برگذار کردن

دین حنیف ابراهیم بود. برای انجام این وظیفه هر چه ارتداد تاریکتر و عمیق تر میشد به همان اندازه دیوار یا محجر دور ارتداد ضخیمتر و محکمتر می گردید. سران روحانی روم به قدری بر افکار و زندگی عوام و خواص اروپائیا تسلط و نفوذ داشتند که همه به بردگی فرامین پاپ در آمده بودند. بیشتر جنگهای صلیبی و لشکرکشی های اروپا در قرون وسطی در واقع کوششها و تلاشهایی بودند برای آزاد شدن از آن محجر که مثل هلال احاطه شان کرده بود. همین هلال بود که از پخش تعالیم گمراه کننده روم جلو گیری می نمود.

این موضوع را در برنامه بعدی ادامه میدهم، عنوان آن «حفاظت خداوند» است.

امیدواریم که بتوانید دوستان خود را راجع به این برنامه مطلع سازید.